

"شبح کمونیسم" در خیابانهای تهران!

خانه کارگر و طرح شعارهای رادیکالتر و یا شعار "کارگر، دانشجو، اتحاد!" در تظاهرات تهران که عملاً دهن کجی به نیمه کودتای جناح راست بود، تا طرح مطالبات و قطعنامه کمونیستی کارگران در یکی از اجتماعات روز کارگر در سنندج، تا طرح شعارهای رادیکال کارگران در راهپیمایی اهواز که موجب افزایش جمعیت آن گردید، تا حرکات رادیکالتری نظیر شورش در پارس آباد مغان و یا بستن جاده مخصوص کرج درست در روز اول مه که باز به مبارزه طلبیدن لگد پرنایهای اخیر جمهوری اسلامی بود، همه و همه بر این تاکید دارد که چگونه خط رادیکال و

صفحه ۴

که در رشت و خلخال و دماوند و میناب و هفتگل و غیره ۱۸ تیر تهران را در ابعاد کوچکتر تکرار کرده بودند، به کارگرانی که صدها اعتصاب و تظاهرات و جاده بستن را سازمان داده بودند، چنگ و دندان نشان بدهد. ایجاد این فضا، درست چند روز قبل از روز کارگر، طبعاً از میزان شرکت وسیع کارگران در اجتماعات و تظاهرات این روز کاست. بعلاوه، خانه کارگر جمهوری اسلامی که به منظور سوار شدن بر اعتراضات کارگری و کنترل آن از قبل فراخوان تظاهرات روز کارگر را داده بود با نزدیک شدن این روز از اینکه اختیار تظاهرات در آن فضای ملتهب

علیرغم این، بنا بر اخباری که حزب کمونیست کارگری منتشر کرده است، هر جا که کارگران جمع شدند و تظاهرات کردند بسرعت خط رادیکال و انقلابی کارگری وزن و قدرت خود را نشان داد. از عدم تکرار شعارهای



مصطفی صابر

روز کارگر امسال (۱۱) فرصتی بود تا جنبش کارگری ایران را در قامت پلاواستپه سیاسی آن مشاهده کنیم. ویژگی برجسته اوضاع سیاسی ایران در آستانه ۱۱ اردیبهشت ۷۹، حمله جناح راست حکومت و برپایی موج بگیر و ببندها بود. نوک تیز این حملات گرچه روزنامه‌ها و بعضی شخصیت‌های دو خردادی و همچنین برخی روشنفکران مخالف بود، اما رژیم میخواست اساساً به مردمی

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

۲

۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹

۱۲ مه ۲۰۰۰

جمعه‌ها منتشر میشود

در این شماره:

کنگره سوم
حزب کمونیست کارگری
اکتبر ۲۰۰۰ برگزار میشود
کنگره علنی است
ورود برای عموم آزاد است

آئین نامه انتخابات
کنگره سوم
حزب کمونیست کارگری

صفحه ۴

به انترناسیونال
هفتگی
کمک مالی کنید

انترناسیونال هفتگی
را تکثیر و پخش کنید

پرده آخر بحران سیاسی رژیم اسلامی

فرار از پیروزی!

منصور حکمت

کرده است. بطور مشخص، علیرغم جدال جلی و بنظر من نهایتاً غیر قابل سازش جناحها، یک هم سرنوشتی عمیق شاخه‌های مختلف ارتجاع اسلامی در ایران را به هم وصل میکند. راست‌ها و دوم خردادها در جدال با هم

در بخش قبل گفتیم که بن بست اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم اسلامی برقراری هرنوع موازنه و نقطه تعادل اسلامی دیگر در جامعه را ناممکن کرده است. بی‌اعتبار دیگر وضعیتی که در آن یک جمهوری اسلامی، از هرنوع، در یک ثبات نسبی سیاسی، در شرایط تمکین مردم به حکومت، بتواند بعنوان چهارچوبی برای بهبود و ثبات اوضاع اقتصادی عمل کند غیر ممکن است. این بحران سیاسی در چهارچوب اسلامیت فروکش نمیکند. اقتصاد ایران در چهارچوب یک رژیم اسلامی به سمت رشد و بازسازی و یک کارکرد متعارف نمیچرخد. جنبش‌هایی فرهنگی و حقوق فردی و مدنی در ایران در چهارچوب یک رژیم اسلامی از خروش و میلیتانسی نمی‌افتد. این واقعیات به ناگزیر قالب جمهوری اسلامی را خواهند شکست. نقطه تعادل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بعدی در جامعه ایران از هرنوع که باشد، بهر حال به دوران پس از حکومت اسلامی تعلق خواهد داشت.

این واقعیت مهر خود را بر روابط و کشمکش جناحهای حکومت کوبیده است. دامنه عمل هریک را بشدت محدود



زمین نخورد. این جنگی است بر سر تحمیل توافق. جنگی است بر سر هژمونی در درون رژیم اسلامی. جنگی است نه برای حذف حریف، بلکه برای به تسلیم کشاندن او در برابر خط مشی خویش. اینجاست که وجه

صفحه ۲

مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

کنفرانس برلین و جناحهای حکومت اسلامی

منصور حکمت: برخوردشان به ما بنظر من در اساس نشان دهنده ترسشان از جنبش ضد جمهوری اسلامی است، جنبش علیه هردو جناح. ببینید این دو جناح هر کدام اساساً دیگری را متهم میکنند به اینکه دارد پایه‌های نظام را سست میکند. دوم خردادها دارند به جناح مقابل میگویند که این برخوردهای قشری شما و این تاکید شما بر اسلامیت غلیظ و این نپذیرفتن تعدیل باعث میشود مردم بر سر کل حکومت

صفحه ۳

این برنامه روز پنجم مه ۲۰۰۰ در ایران پخش شده است

رادیو انترناسیونال:

از بعد از کنفرانس برلین تبلیغات هیستریکی از طرف هر دو جناح جمهوری اسلامی علیه حزب کمونیست کارگری ایران راه افتاده و اتهامات حیرت‌انگیزی را به حزب کمونیست کارگری وارد میکنند. شما برخورد این دو جناح را چگونه تفسیر میکنید؟

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ فرار از پیروزی!

دیگری از علاج ناپذیری بحران حکومتی رژیم اسلامی خودنمایی میکنند و آن فلج سیاسی و عملی هر دو جناح است. موقعیتی که ناگزیرشان میکند از تعیین تکلیف نهایی با یکدیگر، حتی آنجا که شرایط بظاهر برای یک ضربه قاطع به طرف مقابل آماده است، بسرعت پس بنشینند و لاجرم بدنبال هر دوئل ناتمام و هر تقابل نیمه کاره، مشترکا در مقابل مردم در موقعیتی ضعیف تر قرار بگیرند. بگذارید این تناقض را بشکافیم.

"نگارید کودتا کنیم!"

در یکسال اخیر دوبار جناح راست از زبان سران سپاه پاسداران تهدید به کودتا کرده است. بار اول بدنبال نبردهای خیابانی تیرماه تهران و اکنون بدنبال بحران پس از انتخابات مجلس ششم اسلامی و ماجرای برلین. هر دوبار دوم خردادی ها با این تهدیدات با شماتت و حتی استهزاء برخورد کرده اند. کودتا یک خودکشی سیاسی است. در درجه اول خودکشی جناح راست و سپس بدون تردید خودکشی کل نظام اسلامی. اگر کودتای راست بخواهد کودتا باشد، باید نظامی باشد (عبارت مسخره 'کودتای خزنده سیاسی و فرهنگی سپاه پاسداران!') دقیقا همین ناتوانی راست از دست زدن به یک اقدام قهرآمیز همه جانبه و یکسره کننده علیه دوم خردادی را یادآوری میکند. اگر کودتا کودتا باشد، باید به دستگیری و عزل و خانه نشینی و محاکمه سران اصلی دوم خرداد منجر بشود. اما این اولاً، جناح راست را بدون هیچ حائل سیاسی و ایدئولوژیکی، بدون هیچ سپر تبلیغاتی، رو در روی مردم قرار میدهد، ثانياً، به هرنوع ایده انتظار و صبر به امید اصلاحات از بالا در میان مردم خاتمه میدهد. و ثالثاً رسماً به مردم اعلام میکند که قهر در دستور روز است و تنها قهر کارساز است. کودتای راست اگر حتی آن روز صبح را به شب برساند، باید روز بعد دوباره به یک جامعه در حال طغیان چشم باز کند. و اینجاست که هر ناظر سیاسی، از جمله و بویژه جریانی مانند مجاهدین انقلاب اسلامی در صف دوم خردادی ها، بسادگی میبیند که کودتای راست با ضد کودتای مردم روبرو میشود و ضد کودتای مردم خاتمی و دوم خردادی ها

را باز نمیگرداند، بلکه طومار کل حکومت را در هم میپیچد. مجاهدین انقلاب اسلامی بدست مثال کودتای شکست خورده ضد گوریاجف در سال ۹۲ را خاطر نشان میکنند. کودتایان شکست خوردند اما گوریاجفی هم بجا نماند. جای تردید جدی است که جمهوری اسلامی چند هفته پس از یک کودتای قهرآمیز راست در تهران، هنوز دولت ایران باقی مانده باشد. کودتای راست شروع یک بحران انقلابی در ایران خواهد بود. شهرهای مختلف بسرعت از کنترل رژیم اسلامی خارج خواهند شد. سازمانهای چپ و سرنگونی طلب علناً با به جلوی صحنه میگذارند. نیروهای نظامی رژیم تجزیه و خلع سلاح میشوند. قیام شروع میشود. لاجرم، جناح راست باید مواظب باشد کودتا نکند. مواظب باشد پیروز نشود. مواظب باشد جناح دوم خرداد حذف نشود. (غیر عقلایی بودن کودتا برای راست لزوماً به معنای منتفی بودن آن نیست. نه فقط راست یک جریان یکپارچه با افق استراتژیک روشنی نیست. بلکه چه بسا در شرایطی که قدرت دولتی را بهرحال از کف رفتنی بدانند چنین حرکتی را نقطه اتکاء بهتری برای بقاء جریان اسلامی بعنوان یک اپوزیسیون نظامی و تروریست در منطقه ببینند- چیزی که مردم ایران باید با قدرت

بهررو، این موقعیت متناقض، یعنی اجبار به خودداری از پیروزی یکجانبه، تماماً ناشی از این واقعیت است که جمهوری اسلامی به آخر خط خود رسیده است و مردم در کمین آند. نفس بحران کنونی و نفس پیدایش جناح دوم خرداد خود معلول این واقعیت است که ادامه حاکمیت بیست ساله به شیوه تاکنونی و مطلوب جناح راست دیگر غیر ممکن شده. وجود قطب سوم، یعنی جنبش مردم برای سرنگونی حکومت، دست جناح راست را در تا آخر بردن جنگ خود با جناح مقابل میبندد. تنها امید این جریان ترساندن جناح مقابل از عواقب اعمالش، حرس کردن و کند کردن فعالیت های آن و کشاندن آن به یک روند کشدار سازش و تقسیم قدرت است که در آن دوم خردادی ها دائماً بر هژمونی و دست بالا داشتن جناح

راست در حکومت مهر تائید بگذارند و در عین حال بحث "اصلاحات" و امکان تغییر مسالمت آمیز حکومت را برای مردم زنده نگاهدارند. این یعنی حفظ وضع موجود. در نتیجه تلاش اصلی راستها معطوف به اعمال فشار برای "تعدیل" دوم خردادی ها است. و در این تلاش مهم ترین و متداول ترین تاکتیک راست تهدید و هشدار به نیروهای دوم خردادی علیه همسویی و راه باز کردن برای نیروهای "غیر خودی" و "برانداز" است. اتهام خیانت به نظام و همکاری با دشمن سلاح استراتژیکی راست در این جنگ قدرت است. تبلیغات و مچ گیری های دائمی راست از "سازشکاری" ها و "تبانی" های دوم خردادی ها با "اجانب" و دشمنان نظام، وادار کردن دائمی جریان دوم خرداد به مرزبندی با نیروهای خارج حکومت و با خواستههای رادیکال مردم، گرفتن اعلام وفاداری های پی در پی به نظام و اسلام و ولایت فقیه از سران جریان دوم خرداد، همه برای نگاهداشتن جریان دوم خرداد در متن رژیم اسلامی در چهارچوب هژمونی راست است. در رویدادهای تیرماه جریانات دوم خرداد یکصداً به محکوم کردن کسانی که "جدال را به بیرون دانشگاه کشیدند" بلند شدند. در رویدادهای اخیر حمله به حزب کمونیست کارگری به شکل اصلی این اعلام وفاداری به حکومت و کلیت نظام بدل شده است. این حداکثر آن چیزی است که راست باید بعنوان پیروزی به آن امید داشته باشد. نگاهداشتن دست بالا در یک حکومت اسلامی که در آن جنبش دوم خرداد در یک محدوده تعریف شده اساساً برای کنترل نارضایتی مردم نقش داشته باشد. اینکه این موازنه (که مشخصه اوضاع رژیم در سه سال گذشته بوده است) اساساً تا چه مدت دیگر امکان دوام دارد، البته مساله دیگری است. جوهر اعتراض دوم خردادی ها هم همین است که این وضعیت قابل دوام نیست.

"مردم آرام باشید"

اگر دست بردن راست به ابزار سنتی سرکوب و اقدام به کودتا گری از مسائل راست باز نمیکند، در اینسوی معادله نیز جنبش دوم خرداد که ظاهراً وجودش را مدیون شرکت مردم در صحنه

سیاست مجاز انتخاباتی میداند، بطرز غریبی از فراخواندن این "پایگاه سیاسی" خود به میدان احتراز میکند. در هر بزنگاه سیاسی که بنظر میرسد دوم خردادی ها در یک قدمی شکست حریف اند و کوچکترین تحرک مردم میتواند کار جناح راست را برای همیشه یکسره کند و پرونده ولی فقیه و شورای نگهبان و خامنه ای و رفسنجانی را ببندد، اولین کسانی که مردم را از دخالت بر حذر میکنند دوم خردادی ها هستند. رای را ظاهراً اینها آورده اند، اما تظاهرات های خیابانی را هنوز طرف مقابل سازمان میدهد. چرا. چون جریان دوم خرداد نیز درست مانند راست ها پیروزی یکسره و یکجانبه خود را دنبال نمیکند. نیروی سوم، قطب سوم، مردم و ما، همان تهدیدی را بالای سر اینها گرفته اند که راست ها را هم از کودتا منصرف میکند. ممکن است که در اتوبی های دوخردادی درباره حکومت اسلامی نوین چیزی به اسم ولایت فقیه و نظارت استصوابی شورای نگهبان و نظایر آن جایی نداشته باشد. اما میدانند که آن روندهای سیاسی ای که در جهان واقعی ولایت فقیه واقعی را بزیر میکشد و شورای نگهبان را منحل میکند، لزوماً بر نقطه طلایی و رویایی جمهوری اسلامی نوع خاتمی توقف نمیکند و به سکون کشیده نمیشود. فراخواندن مردم به میدان مبارزه توده ای علیه ولایت فقیه و یا قوه قضائیه، میتواند یک اشتباه مهلک باشد. این همان چیزی است که راست ها هشدار میدهند. کشاندن مردم به میدان مبارزه برای نابودی ارکان حکومت اسلامی بازی با آتش است. از سوی دیگر، فرای پیروزی رویایی دوم خرداد نیز هنوز روز جدیدی در حیات رژیم اسلامی است. معضلات اقتصادی، جنبشهای سیاسی و تنشهای فرهنگی جامعه سرجای خویشند و هنوز پاسخ میخواهند. چگونه میتوان مردمی را که ولی فقیه نظام را بزیر کشیده اند، و شورای نگهبانش را بسته اند و سپاه پاسدارانش را به سوراخ فرستاده اند، مجاب کرد که باید در یک قدمی آزادی واقعی مطبوعات، در یک قدمی آزادی احزاب، در یک قدمی حضور علنی احزاب سوسیالیستی و سازمانهای کارگری و سازمانهای زنان و جنبشهای

عظیم حقوق مدنی توقف کنند و میدان را به "بچه های قدیمی سپاه" و "اطلاعاتی" های پیرو خط امام بسپارند. خیلی ساده، نمیشود. جنبش دوم خرداد مستقل از خواست و اراده خودش جز ایجاد ناخواسته شکافی برای ورود جنبشهای آزادیخواهانه واقعی مردم ایران، نقشی ندارد. "پیروزی" دوم خرداد از نظر مردم به معنای اعلام شکست قوه قهریه رژیم و شیپور شروع یک انقلاب است. به همین دلیل است که دوم خردادی ها این پیروزی را نمیخواهند. مردم را به آرامش و عدم دخالت دعوت میکنند. افق آنها نیز نظیر راستها، دستیابی به یک توازن قوای خاص در درون رژیم اسلامی است که خط مشی سیاسی آنها را به خط رسمی حکومت اسلامی تبدیل کند، بدون آنکه در این میان هیچیک از ارکان سیاسی و ایدئولوژیکی و نظامی حکومت خدشه دار شود و لطمه بخورد. جنبش دوم خرداد در جستجوی هژمونی و دست بالای خویش در حکومت اسلامی است. خواهان آن است که سیاستهای دوم خرداد از بالا توسط کلیت حکومت اتخاذ شود و مبنای یک میثاق جدید در این رژیم باشد. سپاه باید بماند. دادگاههای صحرایی باید بمانند، فقها و مراجعی که به دلخواه قانون میگذارند و فتوا میدهند باید بمانند، زندانها باید بمانند، تصویر رژیم اسلامی بعنوان حکومتی که میتواند هر زمان بخواهد در دل شهروندان ترس مرگ بیاندازد باید برجا بماند. اما همه این ابزارها در خدمت یک سیاست دوم خردادی قرار بگیرد که هدفش گسترش پایه حکومت به طیف وسیعتری از نیروهای ملی - اسلامی و بازگشت رژیم ایران به صحنه تولید و تجارت و دیپلوماسی بین المللی است. بنظر اینها این فرمول بقاء رژیم اسلامی را برای یک دوره دیگر تضمین میکند. هیچ چاقوکشی در ایران ناگهان ولتر نشده است. بحث بر سر تجدید آرایش ارتجاع اسلامی بر مبنای یک پلاتفرم پلورالیستی تر و ائتلافی به منظور بقاء در شرایط اوجگیری جنبش سرنگونی طلبی است.

ادامه دارد

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

کنفرانس برلین و جناح‌های حکومت اسلامی

بریزند و یک جنبش سرنگونی طلبی عظیم شکل بگیرد و جمهوری اسلامی ای بجا نگذارد. راستها در مقابل از قدیم دارند به دوم خردادیها میگویند که این "توسعه توسعه" گفتن های شما، این "گشایش گشایش" گفتن های شما و "جامعه مدنی" گفتن های شما، یک جنبش سرنگونی طلبی عظیم را به میدان میاورد و طومار کل رژیم را در هم میپيچد. این موضع گیری اساسی و همیشگی این دو جناح در برابر هم است. در نتیجه هر وقت بحران بالا میگیرد، هرکدام دیگری را به جاده صاف کن دشمن بودن متهم میکنند. در اعتراضات تیرماه که کار به جنگ خیابانی با سپاه پاسداران کشید، هر دو همین کار را کردند. هرکدام دیگری را به این متهم کردند که دارد میدان را برای عناصر و نیروهای خارج جریان "خودی" باز میکند که در صحنه سیاسی دخالت کنند. امروز جالب است، و ما خیلی از این خوشحالیم، که این نیروی سوم، این لولو خورخوره ای که هرکدام دیگری را با آن میخواهد بترساند و ساکت کند حزب کمونیست کارگری ایران است. ما سبیل مبارزه علیه دو جناح، سبیل مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی و نماینده واقعی مردم بیرون این حکومت شده ایم و طبیعی است که هرکدامشان دیگری را متهم میکنند که آب به آسیاب ما میریزد، همدست ما است و در این ماجرا داستانهای محیرالعقولی به هرکدام تعریف میکنند که واقعا شایسته جمهوری اسلامی است.

روزهای اول راست ها و خامنه ای چی ها بودند که دوم خردادیها را به همدستی با ما متهم کردند که بله شما در بند و بست با حزب کمونیست کارگری رفته اید در برلین عمدا جلسه گذاشته اید تا اینها بیایند مرگ بر جمهوری اسلامی بگویند. تا جایی که رسانه های طرفدار خاتمی در اروپا نگران شده بودند، با ما تماس میگرفتند که آیا واقعا دوم خردادیها با شما تماس داشته اند و با هم توافق کرده بودید؟! بعد از اینکه دوخردادیها اینطور در منگنه قرار گرفتند، بنظر میاید صحبت کرده اند و تصمیم گرفته اند همان سناریو را برای راستها پیاده کنند. حالا آنها خامنه ای و دارودسته اش و جناح راست را متهم میکنند که

رادیکال با بیست سال سابقه مبارزه لاینقطع علیه حکومت را میبینند و بنظر من عکس العمل شان طبیعی است. ایران دارد وارد فاز جدیدی میشود، صحنه سیاسی آن دارد به زور بروی مردم باز میشود، حزب کمونیست کارگری وارد این معادلات شده و ما بسیار از این تحولات خوشحالیم.

راديو انترناسیونال: اهمیت این کنفرانس برلین یا تاثیر این کنفرانس چه بوده که چنین غوغا و بلبشونی را چه در ایران و چه خارج کشور راه انداخته؟

منصور حکمت: باید یادتان بیاید که رژیم جمهوری اسلامی چگونه تا بحال سر پا مانده. جمهوری اسلامی جنگ را داشته، سلمان رشدی را داشته، اشغال سفارت را داشته، و حالا کنفرانس برلین را دارد. جلسات مشابه کنفرانس برلین قبلا هم فراوان بوده و ما در خارج کشور در کشورهای مختلف آنها را پیکت کرده ایم، از تشکیلشان ممانعت کرده ایم، افشا کرده ایم. هرچا سران حکومت آمده اند خارج که به نفع حکومت اسلامی تبلیغ و پروپاگاندا بکنند، ما سد راه این قضیه شده ایم. نکته اینجاست که این دوم خردادیها هستند که عمدتا از طرف غربی ها به خارج دعوت میشوند. و لاجرم موضوع اغلب این پیک ها در خارج این جناح است. وگرنه اگر خامنه ای بیاید به خارج که باید ببینند اینجا مردم چه به روزش میاورند. در نتیجه، اینکه لبه تیز این افشاگرها و اقدامات اعتراضی در خارج کشور معمولا عناصر دوم خردادی هستند فقط بخاطر این است که فعلا در غرب برای اینها تریبون سخنرانی فراهم میکنند. اگر خامنه ای ها و ناطق نوری ها و ده نمکی ها به اروپا بیایند که روزگارشان به مراتب سیاه تر خواهد شد. در نتیجه هر عنصر جمهوری اسلامی که پایش را در خارج بگذارد و بخواید تریبونی برای دفاع از جمهوری اسلامی بدست بیاورد، حزب کمونیست کارگری و کمونیستها و آزادیخواهان در خارج کشور از جلسه اش یک صحنه افشاگری درست میکنند. در کنفرانس برلین چند نفر از ایادی حکومت حضور داشتند. عده دیگری هم آدم های خوشنامی بودند که جزء حکومت نیستند، و حتی اگر از جنبش دوم خرداد و یا خاتمی دفاع بکنند، دارند عقیده شان را میگویند و ما هیچوقت به این

اعتراض نداشته ایم. اعتراض به محتوای عقیده شان داشته ایم ولی به سخنرانی شان هیچوقت اعتراض نداشته ایم. مشکل ما کسانی است که سپاه پاسداران را راه انداخته اند، وزارت اطلاعات را گردانده اند، کسانی هستند که سخنگویان و عامل سرکوب و اعدام و شکنجه در آن جامعه بوده اند.

بهرحال اگر اینها در ایران در این بن بست سیاسی حاد نبودند کنفرانس برلین هم واقعه ای میشد مثل بقیه وقایعی که در این بیست سال از سر گذرانده اند. منتهی این واقعه در دوره بعد از انتخابات مجلس، که

راستها میخواستند زیرش بزنند و آن تناسب قوای جدید بین خودشان و دوم خردادیها را اجازه ندهند، ابزاری شد برای تهییج از هر دو طرف. در کنفرانس برلین عده ای آمده اند شعار مرگ بر جمهوری اسلامی دادند و با صدای رسا به جهان اعلام کرده اند که این مملکت فقط دو جناح رژیم را ندارد. مردم یک طرف اصلی جدال هستند. اکثریت عظیم مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. راست ها این را شاهد گرفتند برای تکرار آنچه که همیشه به دو خردادیها میگفتند که ببینید شما حرف از توسعه و دیالوگ میزنید و در پس آن این قدرت عظیم مردمی که سرنگونی میخواهند میاید از فرصت استفاده میکنند. شما به این ها میدان دادید. در ماجرای برلین این حمله را اول راست ها کردند بخاطر اینکه پرچم سرنگونی طلبی و ضدیت با جمهوری اسلامی آنجا بلند شد. دوم خردادیها هم مجبورند مقابله به مثل کنند. طرف دارد به دشمن منتسب شان میکنند آنها هم متقابلا باید همین کار را بکنند.

بزرگترین جرم در جمهوری اسلامی تماس با "دشمن" است. در نتیجه اگر دشمن را شما حزب کمونیست کارگری تعریف بکنید معلوم بود که سیاست دوم خردادیها این میشود که در قدم بعد برلین را به صحنه ای تبدیل کنند که گویا راست ها همدوش این "دشمن" علیه آنها توطئه کرده اند. واقعیت این است که هیچ توطئه ای در کار نبوده، مردم جلوی ابراز وجود نمایندگان و عوامل و سخنگویان مدافع جمهوری اسلامی را در خارج گرفتند، مثل نمونه های بسیاری در چند سال اخیر، منتهی این اتفاق مصادف شد با دوره پس از انتخابات، با ماجرای ابطال

بعضی از صندوقها، با ماجرای دور دوم انتخابات و این سوال که بالاخره چند روز دیگر این مجلس قرار است با چه ترکیبی از عوامل و جناحهای جمهوری اسلامی باز بشود و اینجاست که برلین در بازی قدرت در ایران، این جایگاه را پیدا کرد بخصوص که بطور سمبلیکی محل ابراز وجود یک نیروی سوم در جامعه ایران شد و این برای آنها واقعا دردناک است.

راديو انترناسیونال: شما در پاسخ تان مقداری توضیح دادید. فقط میخواستم کمی روشن تر کنید که آیا سیاست حزب کمونیست کارگری بهم زدن سخنرانیهای دوم خردادیها یا مخالفین تان است؟

منصور حکمت: ابدا اینطور نیست. ما شعارمان این است: جمهوری اسلامی را میگوئیم با مخالفان بحث میکنیم، با جمهوری اسلامی نبرد میکنیم با مخالفان جدل میکنیم. دوم خردادیها منحصر به کسانی که در این کنفرانس بودند نیستند. سازمان اکثریت دوم خردادی است، توده ای ها دوم خردادی هستند، خیلی از جریانات موسوم به "اپوزیسیون" دوم خردادی هستند و خیلی از شخصیتهای داخل کشور و شعرا و ادبا دوم خردادی هستند. اینها آزادانه به جلسات مختلف در خارج کشور میایند و میروند. خود ما در کنفرانسهای مختلفی دوم خرداد کرده ایم از مدافعان دوم خرداد دعوت کرده ایم تا بیایند سخنرانی کنند. نشریات ما را که باز میکنید مصاحبه های مختلفی می بینید با کسانی که دارند از دوم خرداد و خاتمی دفاع میکنند. بحث ما تریبون ندادن به ایادی جمهوری اسلامی است. اینها که در کنفرانس برلین بودند سه چهار نفرشان ایادی جمهوری اسلامی بودند، باقی شان هم از شخصیتهای غیر رژیمی ای بودند که شاید از دوم خرداد چپ تر یا راست تر بوده اند. ما کاری به این طیف نداشتیم. اگر فقط این دسته دوم در کنفرانس شرکت میداشتند هیچکس از کنفرانس برلین مساله ای نمی ساخت. ولی اگر "پچه های قدیم سپاه" و سران "سابق" وزارت اطلاعات قرار است بیایند و تا را به مردم آلمان نوید بدهند و بگویند جهان میتواند جمهوری اسلامی را به عنوان دولتی معتبر قبول کند، اینجاست که دیگر مردم جلویشان می ایستند.

«شبح کمونیسم» در خیابانهای تهران!

کمونیستی در جنبش کارگری دارد رشد میکند و قدرت میگیرد. اگر حضور این جریان تا پیش از این بیشتر در شکل محافل و یا در رهبری اعتراضات پراکنده، هرچند وسیع، کارگری سالهای اخیر خود را نشان میداد، در روز کارگر ۷۹ ما شاهد حضور سیاسی شفاف تر و علنی تر آن بودیم.

این پیشروی در جنبش کارگری طبعاً ابعاد وسیعتری دارد. درست قبل از روز کارگر، حزب اسلامی کار طی بیانیه ای خواهان آزادی اعتصاب در ایران شد. این حزب چماقداران و سرکوبگران سرشناس جمهوری اسلامی در بین کارگران است. طرح آزادی اعتصاب از سوی اینها فقط نشان میدهد که جنبش کارگری در طلب خواسته مهم خود تا چه حد جلو رفته است که اینها برای ابراز وجود و جا نماندن باید طالب آزادی اعتصاب شوند. در همین بیانیه، حزب اسلامی کار همچنین بردهای خواهان آزاد شدن تشکل های صنفی کارگران میشود و اعلام میکند که در طول یکسال گذشته ۱۰ هزار کارگر فعال مورد تعقیب دستگاه امنیتی رژیم (چه بسا با همکاری خود همین حضرات) قرار گرفته اند. این نکات نیز نه فقط به روشنی وجود یک جنبش کارگری پر جوش و خروش و در حال متشکل شدن را منعکس میکند، بلکه در عین حال اعتراف سرکوبگران حرفه ای و کارکنان جنبش کارگری بر غیر قابل مهار بودن این جنبش از طریق سرکوب و تعقیب پلیسی را بصراحت بیان میکند.

قدرت گیری و ابراز وجود خط رادیکال در جنبش کارگری در انزوا از کل جامعه و صرفاً بر اساس توازن قوای متقابل بین جنبش کارگری و حکومت صورت نمی گیرد. بلکه در رابطه متقابل با روند رادیکال شدن اعتراض کل جامعه علیه جمهوری اسلامی و اوضاع موجود قرار دارد و مشخصاً نشانه ای از عروج اجتماعی کمونیسم در جامعه ایران است. شاهد دیگری بر این روند، برای مثال، خطبه وحشت رفسنجانی در نماز جمعه حول و حوش روز کارگر است مبنی بر اینکه اوضاع کشور مثل دوره ۵۸ شده و «مارکسیستها» یک فاکتور مطرح در تحولات سیاسی جامعه اند. مطرح شدن روز افزون

حزب کمونیست کارگری و اینکه هر حزب دولتی و یا در اپوزیسیون مخالف خود را متهم به همکاری و سر و سر داشتن با این حزب میکند، نشانه دیگری از مطرح شدن کمونیسم بعنوان یک قدرت در صحنه سیاسی ایران است.

روز کارگر امسال به یک نمایش قدرت کارگری تبدیل شود. میشد «خیابان ها را مال خود کرد» و با شعارهایی نظیر افزایش دستمزد، آزادی اعتصاب، آزادی بیان و مطبوعات و علیه جمهوری اسلامی به میدان آمد. میشد کل اوضاع سیاسی را به نفع کارگر و آزادی و سوسیالیسم و به زیان جمهوری اسلامی چرخاند. این فقط تحلیل ما و مضمون آرتیستایون حزب کمونیست کارگری که از «راديو انترناسیونال» پخش میشد، نبود. هراس و هشدار جناح راست و نگرانیهایشان از تظاهرات روز کارگر از احساس همین «خطر» برمیخاست. عقب نشینی خانه کارگر در آخرین لحظات و بعد دادن اطلاعیه که «ما پشت سر رهبر ایستاده ایم» تنها بیانگر خوف اینها از رادیکالیسم و کمونیسمی بود که سایه آنرا در خیابانهای تهران احساس کرده بودند. روز کارگر امسال نشان داد که آینده جنبش کارگری ایران توسط همین گرایش شکل خواهد گرفت. نشان داد که گرایش انقلابی و کمونیست طبقه کارگر برای ایفای نقش در روزهای سرنوشت ساز پیشروی طبقه کارگر و کل جامعه ایران مشتق میکنند. ۷ ماه مه ۲۰۰۰

زیرنویس:

روز کارگر امسال ۱۱ اردیبهشت برابر با ۳۰ آوریل ۲۰۰۰ بود. بدلیل اینکه قانون کار اسلامی

«روز ۱۱ اردیبهشت» و نه اول ماه مه را بعنوان «روز کارگر» برسمیت شناخته است، کارگران ایران نتوانستند روز جهانی طبقه خویش را همراه سایر کارگران جهان برگزار کنند. جا دارد تکه کوتاهی از کتاب «کار ازان، کارگر خاموش» را که میزگرد بررسی پیش نویس قانون کار اسلامی است و ده سال پیش به چاپ رسید، اینجا یاد آوری کنیم:

«منصور حکمت: ... گفتید در پیش نویس قانون کار اول ماه مه را تعطیل اعلام کرده اند. خیر بنظر من اول ماه مه تعطیل نشده بلکه یازده اردیبهشت تعطیل شده. این اصلاً جای تعطیل اول ماه مه را نمیگیرد. روزش یکی است، اما آنچه اینها تعطیل کرده اند یک روز عجیب و غریب است به اسم ۱۱ اردیبهشت. اول ماه مه تاریخچه معینی دارد و به همین اسم باید تعطیل شود. این یعنی دولت یک روزی را انتخاب کرده است و حاضر نیست اسم واقعی اش را بزبان بیاورد. اگر همین جماعت حاضر بشوند روزه شان را طبق ماه شمسی بگیرند آنوقت شاید کارگر هم حاضر بشود روز کارگر را یازده اردیبهشت اسم بگذارد. اما اینها روزه شان در ماه «رمضان» است و عید فطر و قربانشان را طبق تقویم هجری قمری میگیرند، ولی اسم واقعی روز کارگر را حذف میکنند. علتش هم این است که بتوانند بگویند که این روزی است که مطهری از فلان خیابان رد شد و فلان امام پایش لیز خورد. میخواهند هویت بین المللی طبقه کارگر را نفی بکنند. بنظر من کارگر ایرانی باید اصرار بکند که آقا جان اینجا بنویس اول ماه مه تعطیل است.»

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران در اکتبر ۲۰۰۰ برگزار میشود

کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران در اکتبر ۲۰۰۰ بطور علنی برگزار میشود. تعداد ۱۵۰ نماینده از تشکیلات های حزب در کنگره شرکت خواهند کرد. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه نیز برای حضور در این کنگره دعوت بعمل خواهد آمد.

آئین نامه انتخابات کنگره سوم حزب کمونیست کارگری

- ۱- انتخابات در دو مرحله انجام میگردد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.
- ۲- جمع نمایندگان کنگره ۱۵۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۶۰ نفر و سهمیه تشکیلاتهای محلی ۹۰ نفر است.
- ۳- شرکت در انتخابات داوطلبانه است.
- ۴- هر عضو حزب فقط در یک حوزه میتواند رای بدهد.
- ۵- رای گیری به صورت کاملاً مخفی انجام میشود.
- ۶- شمارش آرا زیر نظارت هیئت دبیران انجام میشود.
- ۷- در انتخابات های سراسری و محلی نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند. علاوه بر این، در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰ درصد کل آرای رای دهندگان است.
- ۸- انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات سراسری کمتر از ۶۰ نفر باشد (یعنی کمتر از ۶۰ نفر صاحب حداقل ۲۰ درصد

- ۹- آرا شوند) بقیه سهمیه سراسری به سهمیه تشکیلاتهای محلی اضافه خواهد شد.
- ۹- در انتخاباتهای سراسری و محلی اعضا میتوانند به هر تعداد مایل باشند (حداکثر به تعداد سهمیه نمایندگان) رای بدهند. برگه هایی که به تعدادی بیشتر از سهمیه نمایندگان رای داده باشند باطل میشوند
- ۱۰- اعتبارنامه امنیتی نمایندگان قبل از شروع کنگره باید تأیید شده باشد. هرکس خود را کاندید میکند، اگر قبلاً تأیید امنیتی نگرفته باشد، باید فرم مربوط به تأیید امنیتی سطح کادر را پر کند.
- ۱۱- طبق قرار مصوب پنلوم ۱۱ کمیته مرکزی، تشکیلاتهایی که با صندوق مرکزی تسویه حساب مالی نکرده اند نمایندگانشان فاقد حق رای قطعی در کنگره خواهند بود، همچنین نمایندگانی که حق عضویتهای خود را تسویه نکرده باشند در کنگره حق رای قطعی نخواهند داشت.
- ۱۲- هیات دبیران مرجع بررسی شکایات احتمالی از نحوه برگزاری انتخابات است. فاتح بهرامی از طرف هیات دبیران مسئول مستقیم سازماندهی انتخابات است.

Website: www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email: haftegi@yahoo.com
 Fax: 0044-8701207768
 Address: BM Box 8927
 London WC1N 3XX
 England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.rowzane.com
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

راديو انترناسیونال

صدای حقیقت صدای آزادی

صدای کارگر صدای انسانیت

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰ بوقت تهران

۷ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی

۱۹ متر برابر با ۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن ۱۰۹۹ ۴۶۱ ۷۷۱ ۰۰۴۴

تلفن مرکز اطلاعات و پیامگیر راديو:

۲۷۰۷ ۹۶۲ ۲۰۸ ۰۰۴۴